معرفی کتاب

بورس یار

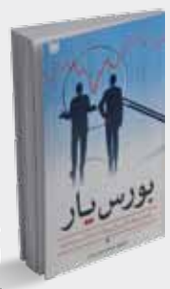

کتاب «بورس یار» نوشته میثم ساریان، یکی از آثار کاربردی در حوزه آموزش بورس برای سرمایه‌گذاران مبتدی در بازار سرمایه ایران محسوب می‌شود. این کتاب با بیانی روان اجزای تشکیل‌دهنده بورس ایران را به شما معرفی می‌کند و سعی در ایجاد نگاهی جامع نسبت به این سازمان دارد. کتاب با رویکردی کاملاً عملی و با زبان ساده، تلاش می‌کند خواننده را گام به گام با مفاهیم اساسی سرمایه‌گذاری در بورس، اصطلاحات تخصصی، شیوه فعالیت بازار و دیگر نکات ضروری آشنا کند. ساریان در این اثر مخاطب خود را افرادی قرار داده که هیچ دانش پیشینی نسبت به بازار سرمایه ندارند و قصد شروع از ابتدایی‌ترین مراحل را دارند. محتوا و ساختار کتاب به گونه‌ای طراحی شده که از توضیحات مفصل و طولانی پرهیز شده و با تعداد صفحات بسیار مختصر مخاطب را با موضوعات کلیدی و اساسی آشنا می‌کند. ویژگی برجسته این کتاب، بومی‌سازی مطالب و حجم پایین صفحات، در کنار اطلاعات عینی و واقعی از بازار بورس، بخوبی توانسته پیچیدگی‌های بازار سرمایه را بدون استفاده از اصطلاحات غیرضروری تخصصی، به زبانی ساده و قابل فهم منتقل کند و برای افرادی که در کنار دیگر مشغله‌های روزانه، مشتاق یادگیری مفاهیم بورسی هستند انتخاب بسیار مناسبی است. در این کتاب که برای سطح مبتدی به نگارش درآمده شما با مفاهیم شرکت‌های بورسی، فرابورسی، مجمع‌های سالانه، ساختار سازمان بورس اوراق بهادار، شیوه خرید و فروش در بازار، شرکت‌های سبد گردانی، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، نمادهای معاملاتی و شیوه کار بازار، درآمد هر سهم و انواع اوراق بهادار آشنا خواهید شد.

گزارش

صادرات نفت ایران در اوج ۷ سال اخیر

گروه اقتصادی: طبق گزارش مؤسسه «تانکر ترکرز»، «در ۴ هفته گذشته، ایران روزانه نزدیک به ۲٫۳ میلیون بشکه نفت خام صادر کرده است؛ عددی که از اوایل سال ۲۰۱۸ به این سو ندیده‌ایم». این گزارش حکایت از این دارد که صادرات نفت ایران نه‌تنها از دوران تحریم‌های شدید عبور کرده، بلکه نشان‌دهنده بازگشت قدرتمند ایران به بازار جهانی انرژی است. این در حالی است که برخی محافل سیاسی و رسانه‌ای، فعال‌سازی مکانیسم ماشه را ابزاری برای فشار حداکثری بر اقتصاد ایران می‌دانستند؛ ابزاری که حالا مشخص شده در عمل تأثیر چندانی نداشته است. مکانیسم ماشه که در چارچوب توافق برجام طراحی شده بود، تحریم‌های بین‌المللی را به طور خودکار علیه تجارت ایران بازگرداند اما این سازوکار بیشتر جنبه نمادین و سیاسی داشته و نتوانسته مانعی جدی برای صادرات نفت ایران ایجاد کند. دلایل این ناکارآمدی را باید در چند عامل کلیدی جست‌وجو کرد؛ نخست، تغییر موازنه قدرت در بازار انرژی که با افزایش تقاضای جهانی و محدودیت عرضه از سوی برخی تولیدکنندگان، ایران را به یکی از منابع جذاب برای خریداران تبدیل کرده است. دوم، تنوع مسیرهای صادراتی که امکان ردیابی و محدودسازی را برای نهادهای تحریمی دشوار کرده است. سوم، افزایش توان فنی ایران در دور زدن تحریم‌ها از طریق ناوگان نفتکش‌های خصوصی، تغییر پرچم کشتی‌ها و بهره‌گیری از روش‌های پیچیده انتقال نفت. بنابراین رقم ۲٫۳ میلیون بشکه در روز به اوج ۷ سال اخیر رسیده که نه‌تنها نشانه‌ای از تاب‌آوری اقتصاد نفتی ایران است، بلکه گواهی بر ناکامی فشارهای بین‌المللی در محدودسازی این بخش حیاتی به شمار می‌رود. این سطح از صادرات، ایران را به جایگاه پیشاتحریمی خود نزدیک کرده و نشان می‌دهد که بازار جهانی، فارغ از فشارهای سیاسی، به نفت ایران نیاز دارد. از منظر اقتصادی، این حجم صادرات می‌تواند درآمدهای ارزی کشور را به شکل قابل توجهی افزایش دهد، کسری بودجه را کاهش دهد و در کنترل نرخ ارز نقش‌آفرینی کند. همچنین تقویت جایگاه ایران در اوپک و افزایش قدرت چانه‌زنی در مذاکرات انرژی، از دیگر پیامدهای این بازگشت قدرتمند خواهد بود. فعال‌سازی مکانیسم ماشه اگرچه در فضای دیپلماتیک جنجال‌برانگیز بود اما در عمل نتوانست صادرات نفت ایران را متوقف کند. داده‌های جدید نشان می‌دهد تهران با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی، دیپلماتیک و تجاری، توانسته مسیر خود را در بازار جهانی نفت باز نگه دارد.

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ بررسی ابعاد مختلف سیاست گذاری در حوزه سوخت

نگاه واقع‌گرایانه به بنزین

مساله بنزین در ایران دیگر یک معادله صرفا اقتصادی نیست و دهه‌هاست به کلافی سردرگم از چالش‌های اجتماعی، سیاسی و امنیتی تبدیل شده است. بار دیگر، گزارش‌ها هشدار می‌دهد مصرف روزانه از مرز ۱۱۶ میلیون لیتر گذشته، در حالی که تولید روی ۱۰۵ میلیون لیتر مانده و کشور را پس از دوره‌ای کوتاه از خودکفایی، مجددا به یک واردکننده بدل کرده است. این واردات، سالانه بیش از ۳ میلیارد دلار از منابع ارزی کشور را می‌بلعد؛ منابعی که می‌تواند صرف سرمایه‌گذاری در پروژه‌های راهبردی یا تقویت زیرساخت‌ها شود. در این میان، پرسشی تکراری که دهه‌ها در محافل تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری طرح شده است، دوباره مطرح می‌شود: راه‌حل چیست؟

پاسخ اما برخلاف آنچه تصور می‌شود، در ارائه یک طرح جامع و انقلابی نهفته نیست. تاریخ اقتصاد ایران و تجربه‌های تلخ گذشته به ما آموخته باید از وسوسه یافتن «یک دکمه جادویی» برای حل یکباره مشکلات پرهیز کنیم. مسائل پیچیده و تاریخ‌مند، راه‌حل‌های رادیکال و یک‌شبه را برنمی‌تابند، بویژه زمانی که ظرفیت حکمرانی کشور اجازه اجرای سیاست‌های پرریسک را نمی‌دهد. راه خروج از بحران بنزین نیز نه از مسیری جراحی‌وار، بلکه از جاده باریک و صبورانه «اصلاحات تدریجی» می‌گذرد.

■ توهم راه‌حل جامع و دام‌های سیاست‌گذاری

در مواجهه با بحران بنزین، اغلب طرح‌های بزرگ و پیچیده‌ای روی میز قرار می‌گیرد؛ از «سهمیه‌بندی بنزین سرانه خانوار» گرفته تا «قیمت‌گذاری شناور» و طرح‌های چندنرخی دیگر. هر یک از این ایده‌ها در تئوری ممکن است جذاب به نظر برسد اما در عمل، با واقعیت‌های پیچیده جامعه ایران و محدودیت‌های اجرایی دولت تصادف می‌کند. تجربه به ما نشان داده اجرای چنین طرح‌هایی نیازمند زیرساخت‌های فنی دقیق، اعتماد عمومی بالا و سرمایه اجتماعی قوی است.

تجربه ۳ بار افزایش قیمت بنزین در یکی - دو دهه اخیر، خود گویای همه چیز است. در سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۳، دولت‌ها با تکیه بر سرمایه اجتماعی و امید مردم به آینده سیاسی، توانستند سیاست افزایش قیمت بنزین را با کمترین تنش اجتماعی به اجرا بگذارند، چرا که جامعه احساس می‌کرد این تغییرات بخشی از یک برنامه کلان برای تحول اقتصادی و بهبود وضعیت کشور است اما آبان ۱۳۹۸، افزایش ناگهانی قیمت در خلأ امید و اعتماد، به یکی از پرهزینه‌ترین حوادث تاریخ معاصر کشور بدل شد. این تجربه تلخ ثابت کرد منطق اقتصادی به‌تنهایی کافی نیست و هرگونه اصلاحی بدون همراهی مردم و بسترسازی اجتماعی، محکوم به شکست است.

از سوی دیگر، تمرکز صرف بر متغیر قیمت و نادیده گرفتن سایر عوامل، خطای راهبردی بزرگی است. مصرف افسارگسیخته بنزین تنها به دلیل ارزانی آن نیست. این پدیده معلول یک ناوگان حمل‌ونقل فرسوده با مصرفی ۲ برابر استاندارد جهانی، صنعت خودروسازی ناکارآمد و ضعف شدید در زیرساخت‌های حمل‌ونقل عمومی است. تا زمانی که شهروندان جایگزین مناسب و به‌صرفه‌ای برای خودروی شخصی نداشته باشند، هرگونه افزایش قیمت تنها به فشار بیشتر بر معیشت آنها و دامن زدن به تورم منجر خواهد شد.

■ دور باطل تثبیت قیمت و فرصت‌سوزی ملی

بیش از ۲ دهه است اقتصاد ایران در مساله بنزین درگیر طلسم «تثبیت قیمت‌ها» شده است؛ سیاستی که در کوتاه‌مدت ممکن است آرامش ظاهری ایجاد کند اما در بلندمدت اثرات سوء به جا می‌گذارد. ثابت نگه داشتن قیمت بنزین در شرایطی که تورم سالانه و نرخ ارز به طور مداوم در حال افزایش است، این کالا را روزبه‌روز ارزان‌تر و عملا رایگان کرده است. این ارزانی غیرواقعی، نه‌تنها انگیزه‌ای برای مدیریت مصرف باقی نمی‌گذارد، بلکه چالش‌های مربوط به قاچاق و هزینه‌ای که دولت جهت تولید و توزیع آن می‌پردازد نیز بسیار چالش‌برانگیز است.

به علاوه، یارانه غیرهدفمندی که اینجا تخصیص پیدا می‌کند نیز بر خلاف عدالت است و بیشتر به جیب دهک‌های ثروتمند و پرمصرف سرازیر می‌شود، در حالی که اقشار کم‌درآمدتر جامعه که فاقد خودرو هستند، کمترین بهره را از این یارانه می‌برند. ادامه این روند مساله را غیرقابل بازگشت و تصمیم‌گیری درباره آن را سخت‌تر و مخاطره‌آمیزتر خواهد کرد. پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد اگر الگوی فعلی ادامه یابد، ظرف ۱۲ تا ۱۶ سال آینده تمام درآمدهای نفتی کشور باید صرف واردات بنزین شود تا در خودروهای ناکارآمد سوزانده شود.

■ واقع‌گرایی در پرداخت به مسائل پیچیده

حال که می‌دانیم راه‌حل‌های رادیکال و جامع، یا به دلیل پیچیدگی اجرایی شکست می‌خورد یا به دلیل پیامدهای اجتماعی غیرقابل کنترل به بحران منجر می‌شود، چه باید کرد؟ پاسخ در پذیرش یک واقعیت کلیدی نهفته است. ظرفیت حکمرانی کشور اجازه اجرای طرح‌های پیچیده را نمی‌دهد. بنابراین باید به جای آرمان‌گرایی، به دنبال یک راهکار ممکن، تدریجی و کم‌هزینه بود.

پیشنهاد مشخص و عملیاتی این است که همه بر سر یک سیاست حداقلی اما پیوسته به اجماع برسند. برای مثال، هر ۶ ماه یکبار افزایش ۱۰ درصدی قیمت بنزین انجام شود. این رویکرد چندین مزیت اساسی دارد: اولاً، تدریجی و پیش‌بینی‌پذیر است، از شوک‌های ناگهانی به اقتصاد و جامعه جلوگیری می‌کند و خانوارها و کسب‌وکارها فرصت می‌یابند خود را به آرامی با شرایط جدید تطبیق دهند. ثانیا، بار روانی و اجتماعی آن به مراتب کمتر از افزایش‌های یک‌باره است و احتمال بروز تنش‌های اجتماعی را به حداقل می‌رساند. ثالثا، این گام کوچک اما مستمر، طلسم چندین ساله تثبیت قیمت‌ها را می‌شکند و به سیاست‌گذار اجازه می‌دهد بتدریج کنترل خود را بر این متغیر کلیدی اقتصادی بازیابد.

این پیشنهاد به معنای نادیده گرفتن سایر راهکارها نیست. دولت باید همزمان و با جدیت، سیاست‌های غیرقیمتی مانند تسریع در اسقاط خودروهای فرسوده، توسعه حمل‌ونقل عمومی و احیای ظرفیت سوخت‌های جایگزین را دنبال کند اما افزایش تدریجی قیمت، سیگنال ضروری برای اصلاح الگوی مصرف و آغاز حرکت در مسیر درست است.

وقت آن رسیده از جست‌وجوی بیهوده برای یک «ابرراه‌حل» دست برداریم و بپذیریم اصلاحات اقتصادی بزرگ، از گام‌های کوچک و هوشمندانه آغاز می‌شود. باید این فرصت را به دولت داد تا با برداشتن گام‌های کوچک برای مسائل پیچیده و تاریخ‌مند، قفل بزرگ را از پای اقتصاد ایران باز کند. این تنها مسیر ممکن برای مواجهه با مسائلی است که توان و امکان تصمیم‌گیری درباره آنها به حداقل رسیده است.

روستا؛ از حاشیه‌نشینی تا محور توسعه اقتصادی

گروه اقتصادی: در حالی که بیش از یک‌چهارم جمعیت ایران در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، سهم این مناطق در تولید کشاورزی، صنایع دستی و اشتغال غیررسمی به مراتب فراتر از وزن جمعیتی آنهاست. با اجرای طرح‌هایی مانند «روستا بازار» و «روستا تعاون» و توسعه زنجیره‌های ارزش، روستاها نه‌تنها به بستری برای اشتغال پایدار و توانمندسازی زنان تبدیل شده‌اند، بلکه نقش مهمی در کاهش مهاجرت، ارتقای امنیت غذایی و تقویت اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کنند. این ظرفیت‌ها، اگر با سیاست‌گذاری هوشمندانه و سرمایه‌گذاری هدفمند همراه شوند، می‌توانند روستا را از حاشیه به متن توسعه ملی بازگردانند.

بررسی سهم واقعی روستاهای ایران در تولید و اشتغال، تصویری روشن‌تر از ظرفیت‌های مغفول‌مانده این مناطق ارائه می‌دهد. بر اساس آمارهای رسمی، حدود ۲۵ درصد جمعیت کشور در مناطق روستایی زندگی می‌کنند اما سهم این مناطق در تولیدات کشاورزی، صنایع دستی و فعالیت‌های تبدیلی به مراتب فراتر از نسبت جمعیتی آنهاست. بیش از ۴۰ درصد محصولات کشاورزی کشور در روستاها تولید می‌شود و در برخی استان‌ها، این سهم به بیش از ۶۰ درصد نیز می‌رسد. همچنین بیش از ۸۰ درصد صنایع دستی کشور، که بخش مهمی از صادرات غیرنفتی را تشکیل می‌دهد، توسط زنان و خانواده‌های روستایی تولید می‌شود.

در حوزه اشتغال، روستاها با وجود محدودیت‌های زیرساختی، نقش مهمی در تأمین نیروی کار تولیدی ایفا می‌کنند. طبق گزارش‌های وزارت جهاد کشاورزی، بیش از ۱۰ میلیون زن روستایی و عشایری در کشور فعال هستند که در کنار مردان روستایی، بخش قابل توجهی از اشتغال غیررسمی و خانوادگی را شکل می‌دهند. این اشتغال، اگرچه در آمارهای رسمی کمتر دیده می‌شود اما در واقع ستون فقرات اقتصاد محلی و تأمین‌کننده امنیت غذایی کشور است.

از منظر منطقه‌ای، استان‌هایی مانند کردستان، سیستان‌وبلوچستان، خراسان جنوبی، چهارمحال‌وبختیاری و کهگیلویه‌وبویراحمد، با وجود نرخ بالای بیکاری، ظرفیت‌های گسترده‌ای در تولیدات کشاورزی، دامداری، گیاهان دارویی و صنایع دستی دارند. در این مناطق، توسعه زنجیره‌های ارزش و حمایت از کسب‌وکارهای خرد می‌تواند نه‌تنها به اشتغال‌زایی، بلکه به کاهش مهاجرت، حفظ منابع طبیعی و ارتقای کیفیت زندگی منجر شود.

در سطح ملی، سهم روستاها در تولید ناخالص داخلی اگرچه به طور مستقیم کمتر از بخش‌های صنعتی و خدماتی است اما با احتساب اثرات غیرمستقیم مانند کاهش وابستگی به واردات، افزایش امنیت غذایی، حفظ تعادل جمعیتی و کاهش هزینه‌های اجتماعی ناشی از مهاجرت، نقش آنها در پایداری اقتصادی کشور بسیار حیاتی است. بویژه در شرایطی که اقتصاد ایران با چالش‌های تحریمی، نوسانات ارزی و فشار بر بخش‌های رسمی مواجه است، تقویت اقتصاد روستایی می‌تواند به‌عنوان یک مسیر مکمل و مقاومتی عمل کند.

در نهایت، سهم روستاهای ایران در تولید و اشتغال، نه‌تنها عددی در گزارش‌های آماری، بلکه نشانه‌ای از ظرفیت‌های انسانی، فرهنگی و طبیعی کشور است. اگر این ظرفیت‌ها با سیاست‌گذاری هوشمندانه، سرمایه‌گذاری هدفمند و مشارکت واقعی جوامع محلی همراه شود، می‌توان انتظار داشت روستاها از حاشیه‌نشینی اقتصادی خارج شده و به کانون‌های تولید، نوآوری و پایداری تبدیل شوند. این تحول، نه‌تنها به نفع روستاییان، بلکه به نفع کل اقتصاد ملی خواهد بود.

■ مسیر دستیابی به توسعه پایدار در مناطق روستایی

در مسیر دستیابی به توسعه پایدار در مناطق روستایی و عشایری، یکی از مؤثرترین راهکارها، تقویت زیرساخت‌های محلی برای اشتغال و کارآفرینی است. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد ایجاد مراکز رشد، شتاب‌دهنده‌های کسب‌وکار و شبکه‌سازی منطقه‌ای، نقش کلیدی در فعال‌سازی ظرفیت‌های بومی دارد. در ایران نیز طرح‌هایی مانند «روستا بازار» و «روستا تعاون» با هدف حمایت از تولیدکنندگان خرد، بویژه زنان روستایی و عشایری، در حال اجراست تا حلقه‌های زنجیره ارزش از مزرعه تا سفره را به شکلی منسجم و پایدار شکل دهند.

طرح «روستا بازار» با هدف حذف واسطه‌ها و اتصال مستقیم تولیدکنندگان به مصرف‌کنندگان، بستری برای فروش محصولات کشاورزی، صنایع دستی و تولیدات خانگی فراهم کرده است. در کنار آن، «روستا تعاون» با تمرکز بر تشکیل تعاونی‌های محلی، زمینه اشتغال‌زایی و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه به شهرها را فراهم می‌کند. این ۲ طرح، در کنار توسعه زنجیره‌های ارزش، به عنوان ستون‌های اصلی توانمندسازی اقتصادی در مناطق محروم شناخته می‌شوند.

زنجیره ارزش در کسب‌وکارهای خرد، صرفاً مسیر حرکت کالا نیست، بلکه معماری هماهنگ فعالیت‌ها از ایده تا مصرف است. این رویکرد با اتصال حلقه‌های تولید، فرآوری، بسته‌بندی، بازاریابی و فروش، می‌تواند تا ۱۲ برابر بیشتر از فعالیت‌های جزیره‌ای ارزش‌آفرینی کند. در نمونه‌های اجراشده، افزایش ۴۲ درصدی درآمد و کاهش ۴۰ درصدی ضایعات محصولات، تنها بخشی از دستاوردهای این مدل بوده‌اند.

زنان روستایی و عشایری با سهمی بیش از ۴۰ درصد در تولیدات کشاورزی و ۹۰ درصد در صنایع دستی، بازیگران اصلی اقتصاد محلی هستند. فعالیت‌های آنان در حوزه فرآوری محصولات دامی، گیاهان دارویی، خشک کردن و تبدیل تولیدات باغی، نه‌تنها ارزش افزوده ایجاد کرده، بلکه به حفظ منابع، کاهش ضایعات و ارتقای کیفیت زندگی خانوارهای روستایی منجر شده است.

دفتر توسعه فعالیت‌های کشاورزی زنان روستایی و عشایری، با اجرای طرح «زنان نوآور - روستای بهره‌ور»، تلاش دارد از طریق آموزش، نهادسازی، شبکه‌سازی و هویت‌بخشی به کسب‌وکارهای خرد، مسیر پایداری معیشت را هموار کند. این طرح در چهار فاز مطالعاتی، شناسایی ظرفیت‌ها، آموزش تخصصی و توسعه بازار طراحی شده و در حال اجراست. مخاطبان اصلی آن، زنان تولیدکننده، تشکل‌های اقتصادی محلی و دختران تحصیل کرده روستایی هستند که با انگیزه بالا و مشارکت فعال، در مسیر توسعه اقتصادی گام برداشته‌اند.

ایجاد مشاغل خرد، متناسب با اقلیم و ظرفیت‌های محلی، یکی از مؤثرترین راهکارها برای جلوگیری از مهاجرت به شهرهاست. احداث مزارع ارگانیک، پرورش ماهی و دامداری ارگانیک، تولید قارچ‌های خوراکی، کشت گیاهان دارویی، فرآوری میوه‌ها و سبزی‌ها و راه‌اندازی فروشگاه‌های کنار جاده‌ای یا بازارهای مجازی، نمونه‌هایی از فعالیت‌هایی هستند که با سرمایه اندک، اشتغال پایدار ایجاد می‌کنند.

سال گذشته ۳۲ زنجیره ارزش در نقاط مختلف کشور شکل گرفت و امسال نیز توسعه ۱۱۰ زنجیره جدید در دستور کار قرار دارد. این روند، نشان‌دهنده بلوغ برنامه‌ریزی آموزشی و ترویجی در حوزه توانمندسازی زنان روستایی و عشایری است و می‌تواند به شکل‌گیری اکوسیستم بین‌زنجیره‌ای در بخش کشاورزی منجر شود.

با وجود سهم بالای زنان روستایی در تولید، فرآوری و صنایع دستی، هنوز ظرفیت‌های آنان به طور کامل در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دیده نشده است. بیش از ۱۰ میلیون زن روستایی و عشایری در کشور وجود دارند که نقش مؤثری در اقتصاد محلی ایفا می‌کنند. توجه به این جامعه بزرگ تولیدکننده، نه‌تنها از منظر عدالت اجتماعی، بلکه به عنوان یک راهبرد اقتصادی ضروری است.

توسعه زنجیره‌های ارزش، توانمندسازی زنان، ایجاد بازارهای پایدار و حمایت از نوآوری‌های محلی، می‌تواند مسیر پایداری معیشت، کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت را هموار کند. این مسیر، نیازمند اراده سیاسی، سرمایه‌گذاری هدفمند و مشارکت فعال کنشگران محلی است تا اقتصاد روستایی از حاشیه به متن توسعه ملی بازگردد.

باید به این نکته نیز توجه داشت که اشتغال روستایی نه‌تنها یک ابزار اقتصادی، بلکه یک سازوکار اجتماعی برای حفظ انسجام جوامع محلی است. در شرایطی که مهاجرت بی‌رویه به شهرها موجب شکل‌گیری حاشیه‌نشینی، فشار بر خدمات شهری و افزایش نابرابری‌های اجتماعی شده، تقویت اشتغال در روستاها می‌تواند به بازتوزیع فرصت‌ها، کاهش شکاف‌های منطقه‌ای و ارتقای عدالت فضایی کمک کند.

از سوی دیگر، اشتغال در روستاها به دلیل ماهیت خانوادگی و مشارکتی خود، ظرفیت بالایی برای تقویت سرمایه اجتماعی دارد. زنان، جوانان و سالمندان در قالب واحدهای تولیدی کوچک، تعاونی‌ها و شبکه‌های محلی می‌توانند نقش‌آفرینی کنند و این مشارکت چندلایه، به افزایش تاب‌آوری اقتصادی و اجتماعی در برابر بحران‌ها منجر می‌شود. در واقع، اشتغال روستایی نه‌تنها به تولید کالا، بلکه به تولید اعتماد، همبستگی و امید نیز کمک می‌کند.

در سطح کلان، توسعه اشتغال روستایی با محوریت زنجیره‌های ارزش، می‌تواند به تنوع‌بخشی اقتصاد ملی منجر شود. وابستگی به بخش‌های محدود صنعتی و خدماتی، اقتصاد را در برابر نوسانات جهانی آسیب‌پذیر می‌کند، در حالی که تقویت بخش کشاورزی، صنایع تبدیلی، گردشگری روستایی و تولیدات ارگانیک، می‌تواند پایه‌های اقتصاد مقاومتی را مستحکم‌تر سازد.

بنابراین، نگاه به اشتغال روستایی باید از سطح سیاست‌های حمایتی و یارانه‌ای فراتر رود و به عنوان یک راهبرد توسعه‌محور در برنامه‌ریزی ملی جایگاه یابد. این امر مستلزم اصلاح ساختارهای نهادی، تسهیل دسترسی به منابع مالی، ارتقای زیرساخت‌های ارتباطی و آموزشی، و ایجاد پیوندهای مؤثر میان بازار، دانش و تولید است. توسعه متوازن اشتغال در شهر و روستا، نه یک انتخاب، بلکه یک ضرورت برای آینده اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ایران است. اگر روستاها را صرفاً به عنوان منابع تولید نگاه کنیم و نه به‌عنوان بسترهای زندگی و نوآوری، فرصت بزرگی را برای تحول پایدار از دست خواهیم داد اما اگر با رویکردی جامع، اشتغال روستایی را در قلب سیاست‌گذاری اقتصادی قرار دهیم، می‌توانیم شاهد شکوفایی ظرفیت‌هایی باشیم که سال‌ها در حاشیه مانده‌اند و اکنون آماده‌اند تا به متن توسعه ملی بازگردند.

جمهوری اسلامی ایران
وزارت صنعت، معدن و تجارت

فراخوان برگزاری تجدید مناقصه عمومی یک مرحله‌ای
اسکن اسناد پرونده‌های پرسنلی مرکز حراست
حوزه ستادی وزارت صنعت، معدن و تجارت سال ۱۴۰۴

وزارت صنعت، معدن و تجارت در نظر دارد اسکن اسناد پرونده های پرسنلی مرکز حراست حوزه ستادی خود را بر اساس شرایط و طرح قرارداد به شرکت های پیمانکاری واجد شرایط و تایید صلاحیت شده از سوی مراجع ذیربط با شماره فراخوان ۲۰۰۴۰۰۰۰۰۳۰۰۰۰۲۱ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید .

کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه گران و بازگشایی پاکت ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران در صورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار مناقصه در سامانه ۱۴۰۴/۰۸/۱۸ می باشد.

مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سامانه: تا ساعت ۱۲:۰۰ روز پنج شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۸/۲۲

مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: تا ساعت ۱۲:۰۰ روز یک‌شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۲

زمان بازگشایی پاکت ها : ساعت : ۰۹:۰۰ صبح روز چهار شنبه تاریخ ۱۴۰۴/۰۹/۰۵

مدت اعتبار پیشنهادات ۳ ماه پس از بازگشایی پاکت‌ها (تا تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۵) می باشد.

نوع تضمین شرکت در مناقصه: تضامین های موضوع بند الف (ضمانت نامه بانکی و ضمانت‌نامه‌های صادره از سوی موسسات اعتباری غیربانکی مورد تایید بانک مرکزی).

مبلغ تضمین شرکت در مناقصه: ۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال

اطلاعات تماس دستگاه مناقصه گزار جهت دریافت اطلاعات بیشتر در خصوص اسناد مناقصه و ارائه پاکت الف :

آدرس: تهران، خیابان شهید استاد نجات الهی، خیابان شهید کلانتری، ساختمان شهید الهی، پلاک ۷۵، وزارت صنعت، معدن و تجارت، اداره امور قراردادها و مناقصات - تلفن ۸۸۹۰۵۳۲۴- ۰۲۱

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه :

مرکز تماس: ۱۴۵۶ - ۰۲۱

اطلاعات تماس دفاتر ثبت نام سایر استان‌ها، در سامانه www.setadiran.ir موجود است.

لازم به ذکر است که اصل ضمانت نامه (پاکت الف) می باید حسب شرایط، ضوابط و زمان بندی مناقصه در پاکت دربسته به اداره امور قراردادها و مناقصات وزارت صنعت، معدن و تجارت به نشانی فوق الذکر تحویل گردد.

میم الف ۲۹۴۶ — شناسه آگهی: ۲۰۴۱۹۲۳